

## وحید امینی زاده

می نویسیم که  
جیغ.

به دوستام اگر  
مرده داشته‌ای  
پشت پشت هم  
نمی از دست شده خواهیم؛  
دوستام داشته‌ای  
اگر  
چه آغشته‌ای و  
مرده‌ای.

به مرگ آغشته  
به تو آغشته‌تر  
- چه توی آغشته‌ای دارد مرگ -  
تو تر از  
به  
فاعل مجهول سنگ  
مقبور  
اگر  
درخت را به مفعولی  
عیان.

- چه زیر سختی دارد خاک\* -  
نا من تر از تو  
را رگ  
میان  
سبز می‌شوی.  
برگ‌ها

\* یداله رویایی / هفتاد سنگ قبر

و مرگ رفته شد  
و مرگ آغشته شد  
و مرگ زن

را  
مرد.

سفید کاشی‌های  
طوق اتاق  
می کند به  
کجا چه گفته‌ای که مرده‌ای  
رقص.

چه جیغ  
جیغ  
جیغ  
دست از سرم  
جیغ  
کشیده‌ای  
چرا  
نمی جیغ از سرم دست کشی

این  
چه خواسته‌ای و مرده‌ای؛  
که

جیغ  
میان دست را خاموش و  
قرض می‌دهد  
از روی درخت